

زنده‌یاد ارتشبد فریدون جم

هویت، عمل و نظر

سرلشگر ناصر فرید
رییس پیشین ستاد ارتش

۱- هویت

«قدرتی که ما امروز در خلیج فارس داریم، ده برابر بیش‌تر از قدرتی است که انگلستان در خلیج فارس داشت.»^۲
در آن زمان دیگر کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس، به جز کشور عراق که همگام با این تحول نبود، فاقد امکانات کافی برای اجرای چنین نقشی می‌بودند. کشور عراق با وجودی که وسعت خاک و تعداد جمعیت آن بسیار کم‌تر از کشور ایران بود، شدیداً در تلاش نیرومند ساختن خود و به‌دست آوردن تسلط به خلیج فارس بود و به‌همین مناسبت دولت عراق در جهت اجرای نظر خود، خلیج فارس را ابتدا «خلیج بصره» و سپس «خلیج عربی» نامید و با کمک‌های مالی و تبلیغاتی به بعضی از دول عربی، خصلت عربی‌بودن خلیج فارس را تلقین می‌کرد و به حادثه‌آفرینی در مرزهای ایران می‌پرداخت. مهم‌ترین اختلاف را دولت بعثی عراق در مورد حاکمیت بر رودخانه‌ی «شط‌العرب» = اروندرود به‌وجود آورد و از عبور کشتی‌های ایران در آن رودخانه جلوگیری به‌عمل آورد، و ادعا می‌کرد که رودخانه‌ی شط‌العرب رودخانه‌ی عراق است.

بدیهی است که ایران حاضر به قبول این ادعا نشد و جنگ تبلیغاتی طرفین، ایران و عراق را در آستانه‌ی جنگی واقعی قرار داد.
با جدی شدن تهدید و احتمال بروز جنگ، شاه در روز اول اردیبهشت ۱۳۴۸ به‌گونه‌ی سرزده به ستاد بزرگ ارتشتاران آمد و در حضور روسای ادارات به سنجش آمادگی رزمی ارتش در مقابل عراق پرداخت و به عدم کفایت آنان در آمادگی رزمی نیروهای مسلح و ترتیب استقرار نیرو در مرزها و فقدان شیوه‌ی پشتیبانی‌های تدارکاتی یگان‌های رزمی پی برده و ضمن تأکید مستشاران نظامی آمریکا در روز پنج‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۸ شمسی عدم رضایت خود را از ارتش - به گزارش اسدالله علم - به ترتیب زیر اعلام داشت:

- پنج‌شنبه ۱۱ اردیبهشت:

قبل از شرفیابی روزانه شاه فرماندهان بلندپایه‌ی نظامی را به حضور پذیرفت. ارتشبد آریانا رییس ستاد بزرگ ارتشتاران، ارتشبد ضرغامی فرمانده نیروی زمینی، ارتشبد خاتمی فرمانده نیروی هوایی، دریاسالار رسائی فرمانده نیروی دریایی و ارتشبد عظیمی ژنرال آجودان شاه، قبلاً شاه شکوه‌های خود را از تدارکات نظامی علیه عراق بر زبان آورده بود. بنابراین حدس می‌زدم که فرماندهان نظامی را برای توییح احضار کرده است. فقط فرماندهی نیروی هوایی از حملات لفظی شاه در امان ماند. گویا شاه در تندی و فحاشی به فرماندهان کوتاهی نکرده بود. چون وقتی من وارد دفتر کار شاه شدم، صورتش از فرط غضب سرخ بود.^۴
به‌همین مناسبت به‌جز خاتمی، فرمانده نیروی هوایی، دیگر افسران بلندپایه چون ارتشبد آریانا، ارتشبد ضرغامی و دریاسالار رسائی از کار برکنار شدند و در روز ۱۲ شهریور ماه سپهبد فریدون جم به ریاست ستاد

ارتشبد فریدون جم قبلاً چند مقاله به قلم خود در ماهنامه‌ی وزین حافظاً نوشته است و نیازی به معرفی ندارد.
ارتشبد فریدون جم پسر محمود جم (نخست‌وزیر و وزیر دربار رضاشاه) و داماد رضاشاه (شوهر اول شمس پهلوی) بود که همراه وی به جزیره‌ی موریس و ژوهانسبورگ رفت.^۱
خود وی می‌گوید: «من از هشت سالگی عاشق نظام بودم و به مدرسه‌ی نظام رفتم و در فرانسه هم برخلاف میل و اصرار پدرم به دانشکده‌ی افسری (سن سیر) رفتم و در آن موقع به اندیشه‌ی برگشتن به ایران و خدمت در ارتش ایران نبودم، انتخاب من برای همسری با یکی از شاهدخت‌ها مرا به ایران آورد و به‌دستور اعلی حضرت رضاشاه اجازه‌ی بازگشت به فرانسه را نیافتم و به دانشکده‌ی افسری ایران اعزام گردیدم که منشاء خدمات نظامی من در ارتش فراهم گردید.»

۲- عمل

الف. به‌نوشته‌ی ارتشبد فردوسته «فریدون جم به‌علت این‌که افسری درباری و نزدیک به محمدرضاشاه بود، در ارتش شاهنشاهی همواره مشاغلش مهم‌تر از درجاتش بود و در مشاغل جدی و ریسک‌دار وارد نمی‌شد و بیش‌تر به مشاغل فرهنگی، و اداری ارتش گمارده می‌شد، ولی حدود ۱۳۴۰ محمدرضا می‌خواست به فریدون شغل مهمی بدهد تا مدتی در خارج از مرکز خدمت کند تا اگر شغل مهمی به او داده شد، نگویند (افسر سالن) است. بدین ترتیب او به‌عنوان فرمانده لشکر به مهاباد اعزام شد و به مدت یک‌سال در مهاباد ماند و وقتی از مهاباد به تهران آمد، محمدرضا او را جانشین رییس ستاد کرد. در آن موقع رییس ستاد بهرام آریانا بود.»^۲

ب. در آن زمان من (فرید) در پایان ماموریت سه ساله در پیمان مرکزی سنتو در آنکارای ترکیه، برای طی دوره‌ی دانشگاه پدافند ملی به تهران احضار شدم و پس از اتمام دوره‌ی مزبور به اداره‌ی پنجم ستاد بزرگ ارتشتاران منتقل گردیدم. در آن‌جا علاوه بر انجام اداره‌ی مزبور به‌عنوان مرنوس مستقیم تیمسار جم، افسر اجرای طرح محرمانه‌ی نوعی همکاری با ارتش پاکستان - خارج از حیطة فعالیت‌های مربوط به (سنتو) - شدم که منجر به دریافت نشان درجه‌ی یک (ستاره‌ی قائد اعظم) از طرف ژنرال یحیی خان رییس‌جمهور پاکستان گردید.

ارتش ایران در آن هنگام با خرید سلاح‌های پیشرفته‌ی رزمی و تقویت نیروهای مسلح، مسوولیت طرح‌ریزی شده‌ی خود را در دفاع از امنیت منطقه‌ی خلیج فارس اعلام می‌داشت. چنان‌که شاه در یکی از مصاحبه‌های خود چنین بیان داشت:

